

دیوشناسی ایرانی

www.ketab.ir

سرشناسه: ابراهیمی، معصومه، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: دیوشناسی ایرانی / معصومه ابراهیمی.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۴۵ ص.

کتابی: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴۹۲-۵۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: پشت بند به انگلیسی: Masoumeh Ebrahimi, Iranian demonology.

یادداشت: چپ فانی معصومه ابراهیمی، ۱۳۹۱.

یادداشت: کتابنامه: ص [۲۰۹ - ۲۲۲].

یادداشت: نمایه.

موضوع: دیوشناسی زردشتی

موضوع: اساطیر ایرانی

رده‌بندی کنگره: ۴۸۰ BL الف/۱۵۲ ۱۳۹۲

رده‌بندی دیویی: ۱۳۳/۴۲۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۹۴۱۶۴



www.farhameh.ir

farhameh@gmail.com

۶۶۴۰۶۶۷۵-۸۸۸۴۳۶۲۹-۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

دیوشناسی ایرانی

© چاپ: اول، ۱۳۹۷، فرهامه
نویسنده: دکتر معصومه ابراهیمی

ویراستار: د. مهدی ویرایش مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان
طراحی: د. آتلیه مؤسسه عصر انسان شناسی ایرانیان
صفحه‌بندی: حمایه علی‌اکبر حکم‌آبادی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

© همه حقوق برای انتشار فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و پی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتال، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۲۵	 فصل اول: دیوشناخت
۴۷	 فصل دوم: مأوا و جایگاه
۷۳	 فصل سوم: زیانکاری درباره تولید مث
۸۵	 فصل چهارم: بچه‌آزاری
۱۱۱	 فصل پنجم: عشق و روابط جنسی
۱۳۵	 فصل ششم: خیررسانی
۱۴۷	 فصل هفتم: پیکرگردانی و تسخیر
۱۷۷	 فصل هشتم: زیانکاری درباره خواب
۱۸۳	 فصل نهم: رمانده‌ها
۲۰۹	 نتیجه‌گیری
۲۱۵	 کتابنامه
۲۲۹	 نمایه

مقدمه

این اثر مطالعه‌ای است درباره دیوها و جهان دیوی در سنت‌های ایرانی. مطالعه‌ای میان رشته‌ای که با مطالعات دین‌شناسی، فولکلور و انسان‌شناسی اجتماعی تلاقی پیدا می‌کند و هدف آن تأویل چندجانبه کاراکترهای منفی در اسطوره‌شناسی توده‌ها یا به اصطلاح عامیانه همان دوزخیان است — لایه‌ای کهن که علی‌رغم تغییر نظام‌های مذهبی، بسیاری از عناصر آن همچنان در ادیان محفوظ مانده است.

موضوع این کتاب محلی - منطقه‌ای است، به طوری که فرصت توسعه رویکرد و تفسیری نو از مؤلفه‌های بارز باورهای عامه ایرانی را فراهم آورده و در عین حال تلاش شده است، پرتوی روشن بر مسیر شناخت ابعاد فرهنگ مردم ایران بیفکند.

هدف اصلی این پژوهش تحلیل و تفسیر جهان دیوها و شیاطین در سنت ایرانی از دوران پیش از ظهور اسلام است، هرچند آنها در فولکلور اسلامی بازتفسیر شده و تطابق یافته و تا دوره معاصر امتداد یافته‌اند. نویسنده، ضمن پژوهش کتابخانه‌ای، منابع تازه‌ای را که از میدان تحقیق به دست آورده است، معرفی می‌کند. این پژوهش بر اساس روش‌های انسان‌شناسی اجتماعی استوار شده، یعنی توصیف و نیز تحلیل معنایی در کنار تحلیل‌های

تاریخی - تطبیقی. همچنین، کلیه مواد و داده‌های گرد آمده از میدان تحقیق، بر اساس موضوع و محتوایشان، تحلیل، طبقه‌بندی و نظام‌مند شده‌اند.

در سنت ایرانی همه مخلوقات مافوق طبیعی به عنوان دیو (در هند-واروپایی *daiwos**) شناخته می‌شوند. در ادیان ابتدایی آریایی‌ها، دیو (ها) هم‌تراز اهورا (ها) بودند و به عنوان رب النوع پرستیده می‌شدند، اما بعداً صورت اهریمنی (دیودیسی) یافتند و از معابد رانده شده و در سطح موجودات خبیث و فرومایه تنزل پیدا کردند. هم‌زمان، دیو (در دوزخ‌شناسی ایرانی) دارای کاراکتری مشخص است، یعنی مخلوقی نر؛ درست مثل «خاجک» اسی با «جن» عربی.

دیوشناسی ایرانی بخشی اساسی از سنت هندواروپایی محسوب می‌شود و خود نشانگر بسیاری از عناصر اسطوره‌شناختی مشابه نزد باورهای سایر مردمان هم‌جوار ایرانی‌ها می‌باشد. در میان این پدیده‌های مشترک جهانی به این موارد می‌توان اشاره کرد: دگردیسی دیوها، قلمرو آنها، مفهوم رماندگی، طینت خبیث مشترک همه دیوها، مواردی از این دست.

در باورهای ایرانی، قلمرو اصلی دیوها بسته به شرایط اقلیمی و طبیعی محل عبارت است از: خانه‌های متروک، گورستان‌ها، بیابان‌ها، جنگل‌ها، چشمه‌ها، آب انبارها، حمام‌ها، و مواردی دیگر. چنان که، مردم ساکن مناطق بیابانی معتقدند که دیوها در بیابان‌ها زندگی می‌کنند یا آنهایی که در حاشیه خلیج فارس زندگی می‌کنند بر این باورند که دیوها ساکنان دریا هستند. طبق باور مردم کرانه‌های دریای خزر، دیوها در میان درختان و بوته زارهای انبوه و متراکم زندگی می‌کنند.

از جمله متداول‌ترین باورها درباره دیوها این است که آنها دشمن هستی و نسل بشر هستند. در سنت ایرانی آل، همزاد، زب زب، ام صبیان، ششه و

غیره از آن جمله‌اند. گروه‌های دیگر ارواحی هستند که نام آنها برای ترساندن کودکان برده می‌شود مثل: علی موجود، لولو، لولو خورخوره، سنگ به عنگ و عروضا. بیشتر این اسامی ریشه‌شناسی مشخصی ندارند و درواقع نوعی نام - آوا یا مفهوم - آوا هستند.

یک طبقه بندی جداگانه دیگر شامل دیوهایی می‌شود که با انسان روابط جنسی دارند. هدف اصلی آنها آسیب و جراحت رساندن به آدمی یا حتی کشتن او پس از کام‌گیری است. با وجود این کاراکتر منفی و خطرناک دیوها، در سنت عام باور بر این است که بدون آمیزش آنها با آدمیزادگان، هنرهایی چون شعر و آیینی هرگز پدید نمی‌آمدند.

دسته دیگری از دیوها فرا-انسانی‌هایی با خوی و خصلت دوگانه هستند که شخصیت متضادی دارند، یعنی هم از حیوانات و انسان‌ها محافظت می‌کنند و هم آنها را مجازات می‌نهند. یکی از این نوع دیوها سیاه گالش است که چهره‌ای کهن و مشترک میان سنت‌های مردم هم‌جوار ایران نیز هست.

در سنت ایرانی دیوها با عنصر آب، آتش و هوا ارتباط هستند. آنها شکل حیوانات یا پرندگان را به خود می‌گیرند و مردم به احتیاط تمام به محیط پیرامون خود می‌نگرند تا مگر آسیبی به آنها نرسانند. تجسس یک دیو در انسان عملی خطرناک و آسیب‌رسان تلقی می‌شود، طوری که می‌تواند جنون و صرع را سبب شود. از جمله رایج‌ترین روش‌ها و ابزارهای رمانده عبارتند از: دعاها و اوراد ویژه، طلسمات، ابزار آهنی، آتش، گیاهان خاص و همچنین، مراسم و مناسک ویژه. مفیدترین راهکار، گفتن عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم است. روش دیگر، خواندن سوره‌های فلق و ناس از قرآن یا نوشتن آنها بر روی پاره کاغذی است که به صورت تعویذ به کار

می‌رود. در این میان، نقش مشخص جادو — درمانگران در جن‌گیری و کمک به مردم برای خلاصی از تأثیر دیوها حائز اهمیت است.

مطالعه کاراکترهای موجود در اسطوره‌شناسی توده‌ها، غیر از ارائه دیدی مناسب از جهان دیوی، معرف شالوده‌ای گرانبهاست که این فرصت را فراهم می‌سازد تا ابعاد برجسته‌ای از جهان‌بینی دینی مردمان، همچون نگرش‌های اخلاقی و معنوی، دوباره ساخته شوند.

دیوها و موجودات شریر زائیده تخیل آدمی‌اند. باوجود این، آنها هم صفات انسانی دارند و هم صفات غیر انسانی. صفات غیر انسانی آنها بارزانه هنده آروهای محال بشری است و به حدی شگفت و غریب‌اند که به ناگزیر رایج بین آنها اصطلاح «ما فوق طبیعی» را به کار می‌بریم. اصلی‌ترین عفت غیر انسانی مافوق طبیعی‌ها این است که آنها طبیعتی غیر خاکی دارند. آنها با آتش یا از هوا یا از آب آفریده شده‌اند و به واسطه سرشت متعالی خود می‌توانند در یک لحظه به هر جا که بخواهند بروند، و به پیکر گیاه، جانور یا مردم درآیند. آنها تیزپرو و بادپا هستند و قابلیت ناپدید شدن دارند. به هر زبان که بخواهند سخن می‌گویند و بر هر راز، سرنوشت و گنج‌های نهان دانا هستند و از اخبار آیند باخبرند. به پشتوانه چنین نیروهای فرا انسانی است که آنها به هر که خواهد یاری می‌رسانند و هر که را که بخواهند می‌آزارند. توانایی‌های برتر آنها رسیده است که آنها شایستگی احراز اصطلاح «ما فوق طبیعی» را کسب کنند. هرچند این اصطلاح معانی متعددی دارد و در هر فرهنگ و سرزمین نیز مترادف‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است. در ایران عمدتاً از ترکیب وصفی «ازما بهتران» در کنار اصطلاحات مرموز دیگری چون «آنها»، «ایشان» و «از آنها» برای نامیدن مافوق طبیعی‌ها استفاده می‌شود. این اصطلاحات نشان می‌دهد که اشاره به نام مشخص هر یک از موجودات مافوق طبیعی ممنوع می‌باشد. همچنین، نشانه‌هایی از نوعی ترس و خشیت، احترام، تملق و مبالغه نیز در معانی این اسامی دیده می‌شود. چه معنای هر یک از اسامی

مذکور، بر توانایی‌های فوق بشری این موجودات اشاره می‌کند و به طور ضمنی انسان را در مرتبه پایین و پست‌تر، و «آنها» را بهتر و برتر نشان می‌دهد. هرچند این موضوع خود پدیده شگفتی است که انسان نسبت به مخلوقات خود چنین احساسی پیدا کرده است.

از سویی دیگر، ممنوعیت بیان نام موجودات مافوق طبیعی، بازتاب‌دهنده این باور است که اگر نام آنها خوانده شود درواقع آنها را احضار کرده‌ایم و زبان، محوست‌گریبانگیرمان می‌شود. در بسیاری از سرزمین‌های دیگر نیز این پدیده، در میان مردم می‌شود. «چنان‌که در زبان روسی نام «خرس» که مایه وحشت ساکنان است نام سرد شمالی بوده فراموش شده است و اکنون کلمه‌ای که در آن زبان رایج است این جانور به کار می‌رود، لفظی وصفی و به معنی «عسل‌خوار» است. در ترکی آذربایجان نام گرگ فراموش شده و اکنون او را «قورت» می‌خوانند که معنی اصلی آن «کرم» است ...» (خانلری، ۱۳۵۴ ج ۱: ۱۳۱-۱۳۲).

موجودات مافوق طبیعی بخشی از فرهنگ مردم هر جامعه به‌شمار می‌روند. چنان‌که موضوع بخش‌هایی از جهان به باورهای، پندارها و آیین‌های مردم در جوامع گذشته به موجودات مافوق طبیعی مربوط می‌شود. بیشتر جهان‌بینی‌های شرقی بر این موضوع دلالت می‌کنند که جهان پیش از آفرینش انسان‌ها در تصرف و جولان آنها بوده است. با آفرینش انسان آنها ناگزیر به جهان زیرین شتافتند و در همسایگی انسان‌ها زندگی کردند. از همین‌جا دشمنی همیشگی، جدال‌های خونین و انتقام‌جویی آنها از نوع بشر آغاز شد.

معلوم است که انسانی که جهان‌بینی مذکور را باور دارد، مسئولیت‌های بزرگی در زندگی دارد و در تمام طول عمر با پدیده‌ای به نام گریز از موجودات مافوق طبیعی سروکار دارد. بنابراین انسان به تدریج و به تجربه

شناختی نسبی از آنها کسب کرده و راه‌های گریزانیدن، تطمیع و راضی نگه‌داشتن، یا کشتن و نابود ساختن آنها را فرا گرفته است. از این رو از دیرباز در بیشتر جوامع کهن از پیش از تولد هر نوزاد، برای زیستن او در کنار موجوداتی که ممکن است هر لحظه آسیب و زیان از آنها به بشر وارد شود، تدارکاتی برپا می‌شد. این تدارکات با طلسم و جادو و برپایی آیین‌ها و اسامی متعدد همراه بود. جادو و طلسم و آیین‌های دوری از مافوق طبیعی‌ها در تمامی مراحل حساس و اساسی زندگی بشر شدت می‌گرفت. بیشترین آنها به فرایند تولید مثل مربوط می‌شود؛ چه نابودی نسل بشر اصلی به هدف مافوق طبیعی‌ها به شمار می‌رود. همچنین هرگاه انسان در زندگی خود از مرحله‌ای به مرحله دیگر گذر می‌کند، مثلاً از کودکی به بلوغ، از مجرد به هم‌گزینی و تولید مثل و ازدیاد نسل، و نهایتاً مرگ و پایان زندگی می‌رسد، شاهد شدت‌گیری حملات مافوق طبیعی‌ها و در پی آن آیین‌های رمانندگی بشر هستیم. بنابراین ما با طیف وسیعی از باورها و اعتقادات و آیین‌ها و مراسمی روبرو هستیم که فقط بخشی از آنها شناخته شده است. همچنین امروزه بسیاری از اعتقادات مربوط به مافوق طبیعی‌ها از میان رفته، کمرنگ شده یا دگرگون شده و در حاله یافته و در قالبی دیگر تجلی پیدا کرده است، اما برخی مراسم و آیین‌ها که به علت همان باورها پدید آمده، پابرجا هستند. به همین جهت، ما آیین‌های را برگزار می‌کنیم که منشأ و چرایی آن را فراموش کرده‌ایم. در نتیجه اگر شناخت نسبتاً جامع و دقیقی از چیستی موجودات مافوق طبیعی (یا از ما بهتران) صورت بگیرد، ممکن است رابطه میان آیین‌ها و مراسم جادویی و رازآمیز با منشأ و خاستگاه آن مشخص و معین‌تر شود. به عبارت دیگر شناخت موجودات مافوق طبیعی، می‌تواند به بررسی جهان‌بینی و معرفتی بینجامد

که همانا اسطوره‌ها از آن پدید آمده‌اند و از خلال مطالعه آنها می‌توان به واقعیت‌های دوره‌های ناشناخته زندگی انسان‌ها پی برد. از این رو رابطه دو سویه میان شناخت و میزان آگاهی ما درباره موجودات مافوق طبیعی و شناخت و آگاهی درباره بشر وجود دارد، به طوری که دستاورد مطالعات «دیوشناسی»^۱ در هر جامعه و فرهنگی چیزی جز شناخت مردم آن جامعه نخواهد بود.

روز به روز شاهد دگرگونی یا از میان رفتن سنت‌ها و آیین‌ها و مراسم دیوزدایی و بادویی در ایران هستیم، و نوعی عقلانیت بر جوامع مستولی شده که چنین باورها را این‌هایی را بر نمی‌تابد. افزون‌براین چنین پدیده‌های فرهنگی به تدریج به عنوان «خرافات»^۲ طبقه‌بندی می‌شوند و از موهبت مطالعه و بررسی دقیق محروم می‌مانند. بنابراین ممکن است اصلی‌ترین پیامد و هدف پژوهش‌های ما چون این پژوهش ثبت و نگهداری و مستند ساختن بخش کوچکی از فرهنگ پیش از دگرگونی یا نابودی آن باشد.

در این پژوهش مطالعه و شناخت موجودات مافوق طبیعی یا بهتر بگوییم، ازما بهتران در دو بعد مکانی و زمانی صورت گرفته است. از یکسو باورها، رفتارها و آیین‌ها و مراسم و سنت‌های ایرانیان مناطق مختلف ایران درباره ازما بهتران بررسی شده است و از سوی دیگر با بررسی دقیق و عمیق تاریخی و کتابخانه‌ای تلاش شده است هم پیشینه چنین باورهایی در تاریخ و فرهنگ و تمدن کهن ایران بیان شود و هم با ذکر نمونه‌های تاریخی، تسلسل و پیوستگی و دیرینگی این پدیده را منعکس سازیم.

1. demonology

2. superstition